

تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام

محمد جواد توکلی

استادیار و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،

tavakoli@qabas.net

حسین بحرینی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،

hsnbahraini@chmail.ir

چکیده

امروزه مالیات نقش برجسته‌ای در فراهم کردن بودجه دولت‌ها و برنامه‌های تأمین اجتماعی ایفا می‌کند. در این گفتار به بررسی این می‌پردازیم که آیا در رویکرد اسلامی تفاوتی بین مالیات‌های حمایتی و خدماتی وجود دارد. فرضیه مقاله این است این دو نوع مالیات متفاوت هستند و در نتیجه، چگونگی تجهیز و تخصیص آن دو نیز متفاوت است. براساس یافته‌های تحقیق، این تفاوت به طور عمده متأثر از فلسفه و کارکرد این دو نوع مالیات است. مالیات‌های حمایتی عمدتاً به صورت حق فقرا در اموال ثروتمندان مطرح می‌شوند. در مقابل، مالیات‌های خدماتی به عنوان هزینه خدمات دولت برای عمران و مدیریت اجرایی جامعه می‌باشند. یکی از آثار این تفکیک، استفاده از سیاست‌های متفاوت در ترغیب مردم به پرداخت آن است. در این چارچوب فرهنگ‌سازی مالیاتی در مالیات‌های حکومتی با تأکید بر ارتباط بین مالیات و خدمات دریافتی توسط مؤدیان و در مالیات حمایتی بر اساس ارتباط بین مالیات و خدمات ارائه شده برای فقرزدایی و تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد. یکی از لوازم تفکیک بین مسئولیت‌های حمایتی و خدماتی عدم مقبولیت معافیت مالیات خدماتی برای پرداخت کنندگان مالیات‌های حمایتی است.

طبقه‌بندی JEL: H23, H26, H71, P4

کلید واژه‌ها: مالیات‌های شرعی، مالیات‌های متعارف، مالیات حمایتی، سیاست‌گذاری

مالیاتی، اخلاق مالیاتی

۱- مقدمه

در عصر حاضر مالیات‌ها دارای دو کارکرد عمده تأمین مخارج دولت (کارکرد خدماتی: تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی دولت) و تأمین اجتماعی (کارکرد حمایتی: باز توزیع منابع) می‌باشند. کارکرد دوم به صورت خاص همزمان با شکل‌گیری دولت‌های رفاه برجسته شد. پیش از آن، اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک به واسطه تکیه بر کارکرد مکانیزم بازار آزاد، توجه کم‌تری به جنبه‌های بازتوزیعی مالیات‌ها و اصلاح آن داشت و توزیع از طریق بازار را کافی و بهینه می‌دانست.

ظهور اقتصاد کینزی در واکنش به بحران بزرگ در دهه ۱۹۳۰، باعث پررنگ‌تر شدن نقش دولت‌ها در اقتصاد و در نتیجه گسترش کارکرد خدماتی و بازتوزیعی مالیات شد. ورود دولت‌ها برای جبران شکست بازار در عرصه‌هایی چون تأمین کالاهای عمومی و تقویت توازن اقتصادی، سبب افزایش هزینه‌های خدماتی و حمایتی دولت‌ها شد. در دولت‌های رفاه به طور معمول تفکیکی بین منابع مالیاتی تأمین‌کننده نیازهای خدماتی و حمایتی نمی‌شود. مالیات‌های گرفته از شهروندان هم به مصرف تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی دولت‌ها می‌رسد و هم برای پرداخت‌های حمایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این مقاله به بررسی این سوال می‌پردازیم که آیا در نظام مالیاتی اسلامی، تفکیکی بین مالیات‌های خدماتی و حمایتی وجود دارد. فرضیه اصلی مقاله این است که در نظام مالیاتی اسلامی اصل بر شفافیت و تفکیک هزینه‌های خدماتی و حمایتی دولت اسلامی و به تبع آن تفکیک مالیات‌های خدماتی و حمایتی است. در ادامه به منظور بررسی این فرضیه، با استفاده از روش تحلیلی فقهی و تاریخی، پس از بررسی پیشینه تحقیق، به بررسی چابستی و کارکرد مالیات در اقتصاد متعارف می‌پردازیم. در ادامه چابستی و کارکرد مالیات‌های شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش بعدی مقاله به بررسی فلسفه و کارکرد مالیات‌های شرعی اختصاص یافته است. در ادامه، رابطه وجوه درآمد شرعی و مالیات، تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در اسلام و لوازم این تفکیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

هرچند امروزه در ایران اسلامی، بنابر مصالحی مالیات‌های شرعی که - بیش‌تر دارای کارکرد حمایتی هستند - در دسترس دولت اسلامی نیست، اما تفکیک مورد نظر برای دسته‌بندی، درون مالیات‌های حکومتی و حتی سایر درآمدهای دولت اسلامی، به

منظور مشابه‌سازی و استفاده از مزایای آن و پاسخگویی به شبهاتی نظیر دریافت مالیات بیش‌تر از متدینین و... می‌تواند یک الگو باشد.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه نظام مالیات اسلام و نحوه تجهیز و تخصیص و سیاست‌گذاری و آثار آن نوشته‌های فراوانی وجود دارد. در سال‌های اخیر محققان اقتصاد اسلامی به مباحث مربوط به تأمین اجتماعی اسلامی نیز توجه کرده‌اند. در این مطالعات توجه چندانی به تفکیک انواع مالیات‌های شرعی و لوازم سیاست‌گذاری آن نشده است. در ادامه به صورت اختصار برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه مرور می‌شود.

۱. شهید سید محمد باقر صدر (۱۴۰۰ق) در کتاب اقتصادنا مباحث ارزشمندی در زمینه مالیات‌های شرعی با توجه به نقش بازتوزیعی آن‌ها ارائه داده است. نکات ارائه شده از ایشان در آثار محققان بعدی تبیین و تحقیق شده است.

۲. سید ضیاءالدین کیاءالحسینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی»، مالیات‌های شرعی را به مالیات‌هایی که مردم نقش بیش‌تری در آن داشته‌اند یا دولت، تقسیم نموده است. زکات و خمس در دسته اول و خراج در دسته دوم قرار دارد. وی نتیجه می‌گیرد همان‌طور که دسته اول جایگزین دسته دوم در صدر اسلام نمی‌شد، امروزه هم دسته اول با مالیات‌های حکومتی که از موارد غیر منصوص است، جایگزین نمی‌شود.

۳. سیدحسین میرمعزی (۱۳۹۰) در فصل پنجم کتاب «نظام اقتصادی اسلام؛ مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق»، توزیع ثروت‌ها و درآمدها در نظام اسلامی را بررسی کرده است. وی در قالب سیاست‌های تکلیفی و تشویقی به تفکیک منابع بیت‌المال پرداخته است.

۳. آثاری که به بررسی بیت‌المال در اسلام و نحوه تجهیز و تخصیص آن یا مباحث تاریخ مالیه مسلمین پرداخته‌اند از جمله کتاب «تطور الاوضاع الاقتصادية فی عصر الرسالة و الراشدین» نوشته نجمان یاسین (۱۴۱۱ق)، غالباً به تفکیک وجوهات شرعی به هنگام ورود به بیت‌المال و مصرف آن‌ها اشاره کرده‌اند؛ البته این آثار به تفکیک اولیه منابع اکتفا نموده و به کلیت موارد مصرف و اولویت‌های بیت‌المال پرداخته‌اند.

۴. بعضی از محققین مانند سیدرضا حسینی (۱۳۹۲) در «نقد و بررسی الگوهای تأمین اجتماعی و ارائه الگوی سازگار با نگرش اسلامی»، نیز اشاراتی مفید به بحث دارند.

با ملاحظه آثار فوق می‌توان گفت که تبیین و تفکیک مالیات‌های اسلامی از دیدگاه‌های گوناگون از جمله تفکیک انواع مالیات‌ها در نظام مالی اسلام، هنوز به بررسی‌های بیش‌تری نیاز دارد. در این مقاله سعی شده است برای پر کردن این خلاء ضمن ارائه تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی، به بررسی لوازم سیاستی آن پرداخته شود.

۳- چیستی و کارکرد مالیات در اقتصاد متعارف

در اقتصاد متعارف مالیات وجهی است که دولت برای تأمین مخارج خود و پرداخت‌های انتقالی از مردم دریافت می‌کند. در مفهوم ساده عرفی، مالیات، وجوه یا کالاهایی که مأموران دولت برحسب قانون از شرکت‌ها و صاحبان املاک، اراضی، مستغلات و غیره گیرند (حریری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱۷). اداره دولت و دستگاه‌های حکومتی برای ارائه خدمات اجتماعی و حتی به عنوان حق حاکمیتی نیاز به بودجه و منابع مالی دارد. هرگاه دولت این هزینه‌ها را از مردم و شرکت‌ها دریافت نماید به این مبالغ مالیات گفته می‌شود (جزایری، ۱۳۴۲، ص ۳۸). در این تعریف عرفی عوارض ملی و محلی نیز داخل است، ولی چون تعریف عرفی ارائه شده و مردم بین این دو تفاوتی از حیث لزوم پرداخت نمی‌بینند، با یکدیگر و یکجا آورده شده است.

کمیت و کیفیت مالیات‌ها به دیدگاه نظام اقتصادی درباره نحوه و اندازه دخالت دولت در اقتصاد و چگونگی تعامل دولت با مردم در عرصه خدمات عمومی و لزوم تشریح مشروعیت حق دخالت دولت در جامعه - از جمله دریافت مالیات از مردم- وابسته است. بعضی از اقتصاددانان قائل به دولت مقتدر و احیاناً حداکثری بوده و بعض دیگر قائل به دولت حداقلی هستند که در پناه قرارداد اجتماعی یا خواست عمومی تشکیل شده و کاری جز فراهم‌سازی امنیت و زمینه مناسب برای اجتماعات مانند اقتصاد مردمی ندارد (نوروزی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹). این دو گروه به نحوه جمع‌آوری، مصرف مالیات، باز توزیع منابع و به‌طور خاص تأمین اجتماعی توجه کرده و از این طریق مالیات را تعریف کرده‌اند.

دیوید ریکاردو مالیات را بخشی از محصول زمین و نیروی کار کشور می‌داند که در اختیار حکومت قرار داده می‌شود و همیشه باید در نهایت یا از محل سرمایه کشور پرداخت شود یا از محل درآمد آن (ریکاردو، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵).

گاستون ژز مالیات را نوعی پرداخت و تأدیة مالی می‌داند که در نتیجه الزام قانونی دولت، از نظر تأمین مخارج دولت و بلاعوض به وسیله افراد انجام می‌شود (زندى حقیقی، ۱۳۶۹، ص ۵۵۶). در این تعریف سعی شده است ماهیت واقعی مالیات خارج از دیدگاه مردم و دولت و لوازم دریافت و پرداخت و مصرف آن، دیده شود.

مالیات از مختصات نظام اقتصاد آزاد است که با فرض قبول مالکیت بر تمام منابع برای مردم، بخشی از دارایی آن‌ها را برای تأمین مالی دولت برداشت می‌کند؛ از این رو از دیدگاه ماسگریو، مالیات و عوارض در واقع برداشت دولت از منابع بخش خصوصی است بدون این که تعهدی از ناحیه دولت نسبت به پرداخت کننده ایجاد شود، به خلاف استقراض که تعهد به بازپرداخت اصل بدهی در آینده به همراه پرداخت بهره در طی دوره است (ماسگریو، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۹۸).

از مجموع تعاریف بالا نتیجه گرفته می‌شود که تعریف مالیات در اصطلاح اقتصاد و مالیه عمومی دارای مقومات زیر است:

پشتوانه مالیات، الزام و مطالبه حکومتی است هرچند با میل نفسانی پرداخته شود؛ دست دولت در این اجبار و الزام بسیار باز است. دولت‌ها بنا بر تشخیص خود از مصالح دولت یا جامعه یا هر دو مقدار کل مالیات و پایه‌ها و نرخ‌ها را مشخص می‌کنند و در هر جا که صلاح دانستند صرف می‌نمایند و این دقیقاً همان معنای سیاست‌گذاری مالی است (جزایری، ۱۳۴۲، ص ۴۲).

مالیات برای تأمین اغراض حکومتی و مخارج اهداف دولت می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰)؛ امروزه اکثر دولت‌ها به دلیل اهداف خود یا نظام حقوقی موجود، با دیدگاه‌های اقتصاد کلاسیک فاصله‌گذاری آشکاری انجام داده و در مباحث مربوط به رفاه عمومی، توزیع عادلانه ثروت و تأمین اجتماعی وارد شده‌اند (رک پیترز، ۱۳۸۸، فصل ۲ و استیگلیتز، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۶۹). در واقع توزیع مجدد و ایجاد تعادل اجتماعی از اغراض مهم دولت‌ها در راستای توسعه اجتماعی می‌باشد هرچند عامل انگیزشی آن مسایل سیاسی یا تبلیغاتی باشد.

۱- دولت اسلامی برخلاف دولت حداقلی اقتصاد متعارف دارای اهداف متعدد اجتماعی و فرهنگی است که بسیار مورد تأکید اسلام هستند؛ از این رو قید «اهداف» برای ورود دولت اسلامی به بحث اضافه شده است.

در برابر پرداخت آن، حق مطالبه عوض خاصی ایجاد نمی‌گردد (جزایری، ۱۳۴۲، ص ۴۲)؛ یعنی مالیات در ازاء خدمات خاصی پرداخت و دریافت نمی‌گردد با این‌که می‌توان در برابر خدمت ویژه‌ای نیز مالیات دریافت کرد. هرچند پرداخت‌کنندگان، مالیات را برای تأمین مخارج دولت در راستای آسایش عمومی و اداره جامعه و ارائه خدمات عمومی می‌پردازند اما هر شخص به تنهایی نمی‌تواند در برابر مالیاتی که می‌دهد مطالبه‌ای خاص داشته باشد بلکه این جامعه است که از منافع مالیات بهره می‌برد و می‌تواند مطالبات خود را بیان کند. اگر منافع جامعه از راه مالیات افزون گردد، ممکن است منافع مؤدی نیز بهتر تأمین شود.

عمده‌ترین کارکرد مالیات‌ها تأمین مالی دولت و توزیع مجدد منابع است که این خود با اجرای سیاستی خاص انجام می‌شود. در اقتصاد جوامع توسعه‌یافته و در آستانه توسعه، تلاش بر این است تا با به وجود آوردن زمینه رشد و ثبات اقتصادی این منبع با نرخ رشد معقول و آرامی همواره تعدیل و تضمین گردد که این خود نیز یکی از دلایل ثبات و آرامش در اقتصاد است (رک استیگلیتز، ۱۳۹۲، ج ۲، فصل ۱۷). البته این مطلوب در طی زمان و به آرامی به دست آمده است. کوشش دولت و اضطراب او برای تغییر منبع درآمد به سمت مالیات و تأکید بیش از حد بر آن در جامعه و سرعت در انجام آن، خود عامل ناطمینانی و کاهش آرامش بوده و دارای بازخورد منفی باشد.

دولت‌های مرکزی، محلی، شوراها و شهرداری‌ها همواره تلاش دارند تا به مردم نشان دهند که آن‌ها از مالیات در جهت توسعه جامعه بهترین استفاده دارند. آن‌ها به‌طور پیوسته به مردم گوشزد می‌کنند که زندگی اجتماعی در سایه آزادی و دخالت کم‌تر دولت دارای دردسرها و خرابکاری‌های زیادی است و اگر افراد این مشکلات را چاره‌نکنند کم‌کم جامعه و در نهایت حریم فردی دچار نابسامانی می‌شود. فقر افراد و امکاناتی از قبیل راه، بهداشت، آموزش و... هزینه‌های گریزناپذیر اجتماع است؛ بنابراین افراد، خود باید این گره‌ها را بگشایند. دولت از طرف مردم و با امکانات آن‌ها و با کم‌ترین دخالت در منابع اقتصادی جامعه و اکتفا به مالیات در تلاش است تا این مشکلات را سامان ببخشد. این گفته سرآغاز بحث تعاون اجتماعی بین دولت و ملت است (رک طالب، ۱۳۶۸، فصل ۲۲). همان‌طور که در اقتصاد متعارف براساس اصول لیبرالیسم و ساختار دموکراسی، سعی شده است تا دخالت دولت کم‌تر باشد و مردم نقش

پرنگ‌تری در ادارهٔ اجتماع داشته باشند، لازم است تا هزینه‌های نهادهای عمومی (مانند محلی) و نیمه عمومی (مثل شهرداری‌ها) نیز از مردم تأمین شود. تقریباً تمام مراکزی که از منابع مالی اجتماع در قالب مالیات یا عوارض استفاده می‌کنند دارای خدمات تأمین اجتماعی و فقرزدایی هستند. برای مثال شهرداری‌ها در آمریکا، کانادا، کشورهای اسکاندیناوی و بسیاری از کشورهای اروپایی علاوه بر خدمات عمومی و برداشتن بار مالی آن از دوش دولت، به تأمین اجتماعی نیز حساسیت دارند. در واقع امروزه این اقتضای نهادهای عمومی و نیمه عمومی با درآمدهای اجتماعی است که به این موضوع بپردازند و گسترهٔ رفاه عمومی همراه با تعادل اجتماعی را افزون نمایند.

از این رو برای جامعه پذیرفته‌تر است تا دولت و سایر نهادها، مالیات‌ها را در هزینه‌های اجرایی در این راستا، عمرانی و تأمین اجتماعی به کار ببرد. این جوامع این را می‌دانند که با تمام اشکالاتی که بر مالیات و نظام مالیاتی از طرف بعضی اقتصاددانان و صاحبان سرمایه و مردم می‌شود، گسترهٔ مالیات‌ها در اقتصاد، فعلاً بهترین ابزار برای حل و فصل این دغدغهٔ دولت و مردم است هرچند که ممکن است برخی دولت‌ها در بازی سیاست از آن استفادهٔ مناسبی نبرند.

دولت‌ها سعی نموده‌اند تا بخشی از بار مالی مصادیق خدمات عمومی و تأمین اجتماعی را از دوش خود بردارند و با ایجاد سازمان‌ها و صندوق‌هایی از سرمایه‌های بخش خصوصی و خود مردم استفاده نمایند. بدین ترتیب در واقع بخش‌هایی از تأمین اجتماعی به بیمهٔ اجتماعی تغییر شکل داده است و منابع این نهاد از مالیات‌ها به حق بیمهٔ اجباری و اختیاری، درآمدهای ناشی از وجوه و ذخایر و اموال سازمان و صندوق، مساعدت‌های اجتماعی و... گسترش یافته است (پیترز، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). هم‌چنین نقش سازمان‌ها، بنیادها و مراکز خیریه در راستای تأمین بخشی از خدمات عمومی و اجتماعی چشم‌گیر است. در عین حال اصل این بحث که خدمات عمومی و حمایت، از وظایف دولت بوده و باید منابع آن تأمین گردد، پذیرفته است.

۴- چیستی و کارکرد مالیات‌های شرعی در اقتصاد اسلامی

شریعت و حکومت اسلامی در بدو پیدایش و به انگیزهٔ تشکیل نظام اقتصادی اسلام مالیات‌های شرعی را وضع نمود. زکات، خمس، جزیه و خراج مهم‌ترین منابع درآمد دولت اسلامی و عرصهٔ تعامل مالی بین دولت اسلامی و شهروندان بود. اسلام شرایط تعلق و مقدار زکات و خمس را کاملاً مشخص نموده است ولی نسبت به جزیه و خراج،

اختیار تعیین شرایط و مقدار آن‌ها را به حاکم اسلامی داده است تا با توجه به اصولی خاص و در دامنه‌ای ویژه به وضع و جمع‌آوری آن‌ها بپردازد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق. ص ۲۷۲). در جانب مصرف نیز هریک دارای مصارف معین یا چارچوب مشخصی هستند. پژوهشگران مالیه عمومی اسلامی معتقد هستند که این مالیات‌ها با هدف تأمین مخارج دولت اسلامی و همچنین گسترش تأمین اجتماعی وضع شده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۵۳ و ۴۳۰).

در این‌جا به اختصار به معرفی و بررسی منابع، مصارف و کارکردهای مالیات‌های شرعی پرداخته می‌شود.

الف) زکات

زکات در لغت به معنی رشد و نمو با برکت و غیر طبیعی است (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۰) که لازمه آن پاک کردن و پاک شدن مورد آن از پلیدی‌ها است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۸۶). در اصطلاح، زکات عبارت است از حقی واجب در اموال مخصوص با شرایط مخصوص که باید با قصد قربت آن را پرداخت (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۵).^۱

زکات واجب دارای دو مصداق زکات بدن (فطره) و زکات اموال است. البته نذر و وقف اموال برای تصدق و فی سبیل الله هم از موارد زکات واجب است که دو مورد اخیر زمینه مناسبی برای گسترش دایره زکات در اجتماع است.

زکات فطره به صورت سرانه هر سال یک‌بار در غروب آخرین شب از ماه رمضان بر هر فرد دارا، برای خود او و تمام افرادی که در این وقت به وسیله دارایی او اطعام می‌شوند واجب می‌گردد و دیگر لازم نیست شخصی که زکات او توسط اطعام کننده داده شده است دوباره خودش هم زکات بدهد. مقدار آن برای هر فرد سه کیلو از یک نوع

۱- زکات و صدقه دو اصطلاح تقریباً هم‌معنا هستند که از همان ابتدای تشریح اسلامی در بین دستورات و تعالیم الهی واضح بوده‌اند. این عنوان دارای دو قسم واجب و مستحب است از این رو دارای گستره قابل توجهی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۳). البته زکات و صدقه دارای اصطلاح عام دیگری نیز هست که بر خمس و سایر انفاقات قریبی هم اطلاق شده است (رک حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۵۰۱). شرط تحقق زکات و صدقه قصد قربت است؛ یعنی برای انجام فرمان خدا در راستای جداکردن قسمتی از مال و مصرف آن در مسیر مشخصی انجام شده است. البته اگر کسی زکات واجب را نپرداخت و دولت اسلامی او را به پرداخت آن مجبور ساخت، همین اجبار ولی امر برای این که این دین شرعی از او ساقط شود کافی است ولی ممکن است بعضی از آثار زکات برای او محقق نشود.

ماده خوراکی رایج در منطقه زکات دهنده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۰۸ و ۲۲۱). بسیاری از فقها مصرف این زکات را مانند زکات اموال می‌دانند.^۱ روایاتی که دلالت دارد بر این که زکات فطره تکمیل کننده زکات اموال است مؤید این برداشت است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۱۷).

زکات اموال طبق نظر مشهور فقهای شیعه به گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، پول طلا و نقره در نصاب‌های ویژه‌ای به صورت ثابت بر هر کس که یک سال مالک آن‌ها باشد - حتی اگر فقیر^۲ هم باشد - تعلق می‌گیرد (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹۳).^۳

موارد مصرف زکات و صدقه واجب و مستحب به نص قرآن کریم فقرا، مساکین، حق‌العمل کارگزاران زکات، در راه ماندگان، ایجاد الفت بین قلب‌های غیرمسلمانان با مسلمانان، آزاد کردن بردگان، پرداخت بدهی‌های بده‌کاران و عنوان فی سبیل الله

۱- تعدادی از فقها بنابر احتیاط واجب مورد مصرف آن را فقط فقرا بیان کرده‌اند که به شرط رجوع به فتوای سایر علما می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۲۵).

۲- در فقه اسلامی فقیر به معنی کسی که احتیاجات ضروری را ندارد، نیست بلکه فقیر کسی است که مخارج سالانه زندگی لایق شأن خویش و افراد تحت تکفل خود را نداشته باشد حتی اگر در بعضی از روزهای سال بتواند مخارج زندگی خود را تأمین کند و در بقیه روزها نتواند. منظور از زندگی در شأن فرد، کیفیت متوسط زندگی افرادی از اجتماع است که در موقعیت مشابه اجتماعی نه اقتصادی این فرد زندگی می‌کنند. (منتظری، ۱۴۰۹ق-ب، ج ۲، ص ۲۹۹). اسلام درآمد را ملاک فقر و غنا قرار نداده است بلکه تأمین مخارج را ملاک می‌داند بر خلاف تعاریف امروزه از فقر یا سطح و خط آن که فقط بر محور درآمد یا دارایی مطرح می‌شوند. بسیاری از شئون اجتماعی است که با درآمد قابل طرح نیست علاوه این که ممکن است فردی دارای درآمد بالایی نسبت به طبقات پایین اجتماع باشد اما نتواند شئون واقعی و لایق به حال خود مانند مهمانی دادن، انفاق به اطرافیان به خاطر وجه بالای خود در بین آن‌ها، داشتن خدمات خاص در منزل، کار و سرمایه در شأن خود و... را تهیه نماید.

۳- به دلیل این که زکات از عبادات است و راهی به تشخیص ملاک عبادات غیر از امر و نهی شارع وجود ندارد، نمی‌توان ادعا یا احتمال توسعه آن در اموال دیگر را پذیرفت. همچنین در روایات متعددی تصریح شده است که پیامبر اکرم (ص) زکات را در این نه مورد قرار داد و از بقیه اموال عفو نمود. از این رو کسی نمی‌تواند از این عفو چشم‌پوشی کند. (رک نجفی، ج ۱۵، ص ۶۵). البته این نکته قابل تأمل است که آیا باید تمام پرداخت‌ها به ولی امر به قصد قربت باشد یا نه؟ به این آیه توجه کنید: *وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُتَخَذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ*. (توبه ۹۹) گروهی (دیگر) از عرب‌های بادیه‌نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند آگاه باشید این‌ها مایه تقرب آن‌هاست. خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است. (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی). در این آیه تمام انفاقات به قصد قربت مشروط شده است. به هر حال توسعه موارد زکات، غیر ثابت و غیر لازم است.

است.^۱ بعضی از فقها قائلند که گروه‌هایی که قابلیت مالکیت دارند، مالک زکات هستند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق-الف، ص ۳۷۵) و سایر مسلمین حقی در این اموال ندارند. اما بعضی دیگر بر این نظر هستند که این عناوین، موارد مصرف زکات بوده و هرگز حق مالکیت ندارند (موسوی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۳۳). بالاخره به صورت قطعی زکات، ملک عموم مسلمانان نیست.

اولویت قطعی در شرایط عادی و بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه با کارگزاران زکات است.^۲ مشهور فقهای شیعه قائلند که پس از این دیگر اولییتی نبوده و مصرف زکات در هر موردی صحیح است.

مصرف زکات در موارد آن بدون نظر ولی امر صحیح است هرچند بنا بر نظر بسیاری از علما احتیاط بلکه وجوب پرداخت به مجتهد جامع شرایط از جمله ولی فقیه بسیار قوی است؛ ولی اگر ولی امر زکات را مطالبه کرد باید به او پرداخت کرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۸). در عین حال اگر مؤدی تخلف کرده و خودش زکات را پرداخت کند فقط از جنبه تمرد اجتماعی مورد تعقیب قرار می‌گیرد ولی مجدداً زکات از او مطالبه نمی‌شود و سخن او در مورد پرداخت زکات قبول است.^۳

ب) خمس

خمس از واجبات مالی است که پرداخت آن به قصد قربت نیاز دارد. در فقه امامیه تمام درآمدهایی که غنیمت و فایده بر آن‌ها صدق کند، مشمول وجوب خمس هستند. شرط اساسی تعلق خمس به این فواید این است که یک سال (یا در ابتدای تاریخی که هرساله خمس محاسبه می‌شود) و پس از صرف هزینه‌های زندگی در تملک صاحبش

۱- إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه ۶۰) زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه، این یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

۲- در مورد سهم کارگزاران از زکات در بین علماء شیعه اختلافی نیست به شرط این که از سادات نباشند. البته حاکم اسلامی می‌تواند از غیر زکات از اموالی که نزد او است به آن‌ها بدهد که در این صورت شرط اخیر را ندارد. در مورد عاملین زکات از کسانی که در تمام روند دریافت تا پرداخت و مصرف آن فعالیت دارند عدالت شرط است. (نجفی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۳۷).

۳- تعبیر به اولویت رساندن زکات به امام (ع) به مطلب فوق اشاره دارد. (نجفی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۳۷).

باشد. هم‌چنین اصل اموال و منابعی هم‌چون غنایم جنگی، معادن، گنج، جواهرات دریایی که از راه غواصی به دست آمده‌اند، مال حلال مخلوط با حرام و زمینی که کفار ذمی از مسلمانان بخرند باید قبل از تصرف در آن‌ها خمسشان داده شود. علاوه بعضی از فقها خمس سرمایه را نیز واجب می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ۳۵۲، القول فیما یجب فیہ الخمس).

نکته اساسی در خمس فواید یا به اصطلاح ارباب مکاسب این است که خمس بعد از تأمین شدن هزینه سال در حد شأن مؤدی به شرط عدم اسراف، واجب می‌گردد؛ یعنی خمس از اموال اغنیا گرفته می‌شود (همان، ۳۵۶) به خلاف زکات که به محض محقق شدن نصاب باید پرداخت شود ولو پرداخت کننده آن خود فقیر باشد و از مستحقین زکات. برداشت عرف از «الخمس بعد المؤمنة» که در روایات آمده است (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳۷)، می‌تواند این نکته را روشن سازد که خمس پس از پرداخت تمام هزینه‌های متعارف مؤدی از جمله مالیات محاسبه می‌گردد.

خمس به شش قسمت (سه سهم از امام معصوم و سه سهم برای سادات فقیر و یتیم و در راه مانده) تقسیم می‌گردد. مشهور فقها، ولایت در تصرف در خمس را برای امام (ع) و فقهای جامع شرایط از جمله ولی فقیه می‌دانند و اگر ولی فقیه آن را مطالبه کرد، قائلند که باید به او پرداخت گردد (رک ظهیری، ۱۳۷۹، ص ۳۴۷) ولی در مالکیت سادات فقیر در سهم سادات اختلاف دارند و بعضی آن‌ها را مورد استفاده سهم سادات می‌دانند و باید به آن‌ها داده شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق-ب، ص ۳۳۱).
بعدا در ویژگی‌ها به این مطلب اشاره می‌شود که ظاهراً سهم امام (ع) از خمس ربطی به بیت المال عمومی ندارد و دارای کارکرد ویژه‌ای در اداره جامعه اسلامی است.

۱- هم‌چنین در مورد این که سهم سادات را باید به فقیه داد تا او به سادات فقیر بدهد یا مؤدی می‌تواند خودش به دست آن‌ها برساند اختلاف است. مرحوم صاحب جواهر از بعضی از علما نقل می‌فرماید که هر حق واجبی را باید به دست امام یا نماینده او رساند. «و کأن المفید و أبا الصلاح و ابن البراج اغتروا بتلك النصوص فأوجبوا حملها إلى الامام (ع) مع ظهوره، و مع غیبه فالی الفقیه المأمون من أهل ولايته، لأنه القائم مقامه علیه السلام فی ذلک و أمثاله، بل الحق التقی منهم الخمس و کل حق و جب إنفاقه بها». (نجفی، بی تاج، ۱۶، ص ۴۱۷). از ظاهر این نقل فهمیده می‌شود که این تمرکز مورد قبول صاحب جواهر نیست مگر این که امام به آن دستور دهد.

ج) خراج

خراج از اصل پارسی یا آرامی «خراگ» گرفته شده است که در آن زبان‌ها به معنای مالیات بر محصول زمین بوده است (سن، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳). این مالیات تابع زمین است. در اسلام، اراضی مفتوح العنوة (زمین‌هایی که با جنگ فتح شده باشند) در برابر سهمی از محصول (مقاسمه) یا مبلغی مقطوع از پول (خراج) در اختیار بهره‌بردارن قرار می‌گیرد. این عواید به طور مساوی بین تمام مسلمانان تقسیم می‌گردد (محقق کرکی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶ و ۷۰) یا در منافع مشترک تمام مسلمانان مثل تجهیز سپاه اسلام مصرف می‌گردد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۷۵). ظاهراً این درآمد در شرایط عادی نه در امور دولتی هزینه می‌شده و نه با انگیزه توازن اجتماعی تقسیم می‌گردیده است و صرفاً به انگیزه اعطاء حق به مسلمانان بوده است^۱ هرچند توزیع یکسان آن بین فقیر و غنی و تمام اقشار از مسلمین، نشانگر توزیع مساوی فرصت و تأمین اجتماعی و ایجاد جو روانی عدالت در اسلام بوده است (منتظری مقدم، ۱۳۸۸، ص ۳۵). مشابه‌سازی یا احیاء خراج یکی از دغدغه‌ها و موارد مهم برای تحقیق در اقتصاد اسلامی است (رک حقانی، ۱۳۶۹-الف، ص ۵۵ و ۱۳۶۹-ب، ص ۳۰).

از گفته بالا فهمیده می‌شود که خراج اسلامی به مالیات به معنای متعارف امروزی از جهت درآمدی شبیه است و از جهت مصرف در حالت عادی (نه ضرورت) بیش‌تر کاربرد حمایتی دارد.^۲

د) جزیه

جزیه یک مالیات سرانه است که از اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان و مجوسیانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، گرفته می‌شود. در صورت مسلمان شدن، جزیه از ایشان برداشته شده و مانند سایر مسلمانان زکات و خمس جایگزین آن می‌شود. تعیین مقدار آن در دست امام و حاکم اسلامی است هم‌چنان که چگونگی مصرف آن هم به نظر امام است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۴). پیامبر (ص)

۱- تعبیری از اهل بیت (ع) رسیده است که نشان می‌دهد ایشان به دریافت حق از بیت المال اصرار داشته‌اند و خراج را حق مسلمانان می‌دانستند. (رک ری شهری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۵-۱۶۵).

۲- البته می‌توان با نگاه دیگری نیز به خراج اراضی مفتوح العنوة نگریست. بعضی از محققین خراج را ملک مسلمانان معرفی کرده‌اند. در این صورت دیگر خراج، درآمد دولت نیست تا مالیات باشد و حکومت فقط در قالب یک خدمت عمومی این پول را جمع‌آوری کرده و باز توزیع می‌کند. (موسوی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۰۴).

جزیه را در بین فقهای مهاجرین تقسیم نمودند (همان، ص ۲۶۹). مصرف جزیه طبق صلاحدید امام است و محدودیتی از جهت مصرف در امور خدماتی یا حمایتی ندارد. اما فلسفه دریافت جزیه^۱ و آیه آن^۲، جنبه حکومتی بودن را تقویت می‌کند و روشن می‌سازد که غرض اولی از وضع آن مسایل حمایتی نیست. با توجه به مطالب فوق فهمیده می‌شود که جزیه کاملاً در تعریف مالیات‌های امروزی قرار دارد.

هـ) فیه (مالیات از زمین‌های صلح)

زمین‌هایی که اهل آن با اسلام نچنگیده‌اند و از جهت صولت و قدرت حکومت اسلامی صلح نموده ولی ایمان هم نیاورده‌اند در تصرف منصب امامت و جزء خالصه امام یا فیه است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶). اگر اهل آن زمین‌ها هم‌چنان در آن‌جا باقی بمانند علاوه بر این که خود باید جزیه بپردازند، باید سالانه یا به صورت مقاسمه، مالیات استفاده از اراضی امام المسلمین را هم پرداخت کنند. از این رو بعضی از علما این اراضی را زمین‌های جزیه نامیده‌اند. مقدار این مالیات بنابر نظر و صلاحدید امام است (محقق کرکی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۴). البته فیه می‌تواند شامل غیر زمین هم باشد؛ اما از آن‌جا که بحث مالیات در مورد غیر زمین کم‌تر مطرح می‌شود، این بحث فقط به اراضی اختصاص داده شد.

و) مالیات‌های حکومتی

اصطلاح مالیات حکومتی یا متغیر - بر فرض این که وجوهات شرعی مانند زکات و خمس در زمره مالیات دانسته شوند- برای ایجاد تفاوت بین مالیات‌های منصوص شرعی با مالیات‌های متغیر دولتی، در ادبیات اقتصاد اسلامی وارد شده است. هرچند در صدر اسلام مالیات حکومتی به وضوح دیده نمی‌شود، ولی قابلیت آن وجود داشته است.

۱- علامه طباطبایی ذیل آیه جزیه با نقل معنای لغوی جزیه از راغب اصفهانی فلسفه آن را پرداخت هزینه اجتماعی و حفظ جان و مال اهل کتاب معرفی می‌نماید. (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۲).
 ۲- قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه ۲۹) با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند. (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

شکی نیست که رسول خدا و ائمه معصومین (ع) نسبت به تمام شئون فردی و اجتماعی مسلمین اولویت دارند (منتظری، ۱۴۰۹ق- الف، ج ۱، ص ۳۳). اگر آن بزرگواران صلاح می‌دانستند می‌توانستند از اموال مسلمانان غیر از موارد فوق هم مبالغی دیگر دریافت کنند. از جمله برای اداره حکومت یا سطوح بالاتری از حمایت اجتماعی، از مردم مالیات بگیرند.^۱

شواهدی از مالیات‌ستانی امیرالمؤمنین علی (ع) در روایات وجود دارد^۲ که بعضی از علما آن را از مصادیق زکات ندانسته و مالیات شمرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص ۱۴۲).^۳

از جمله مالیات‌های دیگر که در صدر اسلام وضع شده است عشر می‌باشد. این مالیات از اهل کتابی که برای تجارت به بلاد اسلامی وارد می‌شدند، گرفته می‌شد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۶۸ و غفاری، ۱۳۸۸، ص ۹۹). از این رو شبیه به مالیات بر واردات یا عوارض گمرکی بود. هم‌چنین در روایات و تاریخ، شواهدی بر دریافت عشر از مسلمانان نیز وجود دارد.^۴ البته اهل بیت (ع) با تعبیر تندی از دریافت و پرداخت عشر نهی فرموده‌اند.^۵ ولی به هر حال این نهی دلالت صریح بر حرمت اصل مالیات‌ستانی ندارد؛ زیرا ممکن است این نهی، به خاطر این باشد که حکومت ظلم و جور آن را دریافت می‌کرده است.

۱- البته این نکته جای بررسی دارد که اگر منابع شرعی برای اداره حکومت یا بخشی از هزینه‌های آن کفایت کند، با این که امام اختیارات وسیعی دارد آیا امام، مالیات حکومتی می‌گیرد یا نه. حداقل این سؤال در زمان غیبت در نظر بعضی از علما جای طرح جدی دارد. رک سخنرانی مکتوب آیت الله جوادی (۱۳۷۹) در همایش «مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه و اقتصاد»، نقل شده از کتاب احمدعلی یوسفی؛ نظام مالی اسلام، ص ۲۶۴-۲۵۲.

۲- عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ خَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً ع قَالَ وَضَعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ص عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّأْيَعِيَّةِ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلِيُّ الْبُرَادِيْنَ دِينَاراً. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۳۰).

۳- از جمله دلایل آیت الله خویی (ره) برای اثبات این مطلب این است که در این روایات «وضع» به امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده شده است. همین نکته اثبات می‌کند که این مالیات در عصر تشریع نبوده است؛ زیرا در غیر این صورت باید به رسول الله (ع) نسبت داده می‌شد. ایشان نتیجه می‌گیرد که این مالیات زکات نبوده و بنا بر مصلحت توسط امیرالمؤمنین (ع) وضع شده است. البته این نظر و روایات نیاز به بررسی بیش‌تری دارند.

۴- برای نمونه به این روایت توجه کنید: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْعَشْرِ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنَ الرَّجُلِ أَوْ يَحْتَسِبُ بِهَا مِنْ زَكَاتِهِ قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَ. (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۳). این سؤال می‌رساند که حکومت عباسی از مردم عشر می‌گرفته است.

۵- اهل بیت (ع) حتی اجازه داده بودند که مردم برای نپرداختن عشر قسم بخورند. برای نمونه زَوَى ابْنُ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لَأَبِي جَعْفَرٍ ع نَمْرٌ بِالْمَالِ عَلَى الْعَشَارِ فَيَطْلُبُونَ مِنَّا أَنْ نَحْلِفَ لَهُمْ وَ يُحْلُونَ سَبِيلَنَا وَ لَا يَرْضَوْنَ مِنَّا إِلَّا بِذَلِكَ قَالَ فَاحْلِفْ لَهُمْ فَهُوَ أَحْلَى مِنَ الثَّمَرِ وَ الزَّبْدِ. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۶۳).

بعضی از محققین به این نکته اشاره دارند که در صورت نیاز حکومت اسلامی به تأمین مالی برای اهداف خود و در دسترس نبودن منابع مؤثر، بر مسلمانان واجب کفایی است تا نیاز دولت را در قالب مالیات تأمین کنند و دولت می‌تواند به اندازه نیاز خود به دریافت آن اقدام کند تا عدم تأمین مالی منجر به تعطیل حکومت اسلامی نشود (منتظری، ۱۴۰۹ق-الف، ج ۴، ۲۸۶ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵).

بنابر مبنای ولایت مطلقه فقیه، فقیه حاکم دارای تمام اختیارات اجتماعی است که معصوم (ع) از آن برخوردار است (مؤمن قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۱۳)؛ در نتیجه می‌تواند برای جبران هزینه‌های دولت اسلامی از مردم مالیات بگیرد. اگر امروزه تأمین اجتماعی، تعدیل ثروت و جلوگیری از مفسد مالی نیز از وظایف دولت اسلامی به حساب آید باز نقش مالیات‌ها پررنگ‌تر می‌شود.

۵- فلسفه و کارکرد مالیات‌های شرعی

جداسازی مالیات‌های خدماتی و حمایتی بر پایه فلسفه متفاوت از وضع این دو پرداخت انتقالی است. در منابع اسلامی می‌توان شواهدی برای این تمایز یافت که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد.

مالیات‌های حمایتی به عنوان حق فقرا در اموال اغنیا مطرح می‌شود و عملاً این بخش از مال جزء دارایی افراد نیست و مکلفین با پرداخت آن، حق دیگران را ادا می‌کنند ولی در مالیات‌های خدماتی، مالیات برای خدماتی که دولت برای شهروندان فراهم می‌کند، دریافت می‌شود. در این جا به اختصار و به مقدار نیاز برای این جستار به تحلیل فلسفه، ویژگی‌ها و کارکردهای مالیات‌های شرعی می‌پردازیم.

الف) زکات

۱. منابعی که زکات از آن‌ها دریافت می‌شود همگی از نوع سرانه، درآمد یا دارایی هستند و مالیات بر مصرف وجود ندارد (رک حبیبیان و زمانی، ۱۳۹۱). بعضی از پژوهشگران دلیل آن را حساسیت اسلام در حفظ سطح مصرف مطابق با شأن مردم، ماهیت توزیع مجدد بودن بسیاری از مصارف در فرهنگ اسلامی و عدم امکان انتقال کامل این مالیات به خصوص ثروتمندان و در نتیجه فقیرتر شدن فقرا دانسته‌اند که خود بیش‌تر سمت و سوی تأمین اجتماعی دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷).

۲. درباره دریافت زکات تعبیرهای بسیار شیوا و محکمی در روایات وجود دارد که بیان می‌کند در جدا کردن و پرداخت زکات نباید بر مردم سخت گرفت و اگر خود آن‌ها

مالی را برای زکات معین کردند که شرایط حداقلی را داشت باید آن را پذیرفت (برای نمونه رک ری شهری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۳). این نکته بر جنبه انصاف با مردم و رعایت آن‌ها دلالت دارد.

۳. مصرف زکات واجب و صدقه مستحبی که برای سلامتی داده می‌شود، در راستای رفع فقر سادات جایز نیست. حتی برای عاملان زکات هم این شرط برقرار است.

۴. زکات در ابتدا به عین اموال تعلق می‌گیرد نه ذمه مؤدیان؛ بنابراین تفاوتی بین اشخاص حقیقی و حقوقی از قبیل شرکت‌ها در پرداخت آن نیست و تا زکات پرداخت نشود حق تصرف در آن مال را ندارد.^۱

۵. معافیت در زکات به معنای معافیت تا قبل از رسیدن به نصاب وجود دارد اما به معنای معافیت فقرا از پرداخت بی‌معنا است. در واقع با وجود موضوع زکات (رسیدن به نصاب و وجود سایر شرایط) حق زکات در اموال تعلق می‌گیرد و اگر پرداخت کننده آن هم فقیر باشد ابتدا باید زکات را خارج نموده، در صورت مطالبه امام به او تحویل دهد و دوباره از او به عنوان مستحق زکات دریافت کند و در غیر این صورت پس از اخراج زکات خودش بردارد.

۶. فقر در مستحقین مسلمان شرط است غیر از در راه‌ماندگانی که در محل زندگیشان غنی هستند و عاملان زکات که حتی در صورت غنی بودن هم از زکات سهم دارند (امام خمینی، ۱۳۴۸، ص ۳۵۰). ظاهراً این سهام از جهت احترام عمل مسلمان است نه حذف بار مالی اضافی از سایر منابع بیت المال. اگر امام افراد عادل را برای زکات مأمور نماید، می‌تواند از همان زکات یا هر منبعی که در اختیار دارد این سهم را بپردازد. پس این‌گونه نیست که این سهم لزوماً نشان‌دهنده تأمین بار مالی خدمت کارگزاران حکومتی باشد ولی به هر حال می‌تواند از مصادیق و الگوهای تأمین مالی حکومتی از هر نوع مالیات شرعی که در راستای آن به فرمان امام کاری انجام شود، باشد.

۷. از ظاهر کلمات بعضی از علما که قطعاً مطابق با احتیاط نیز هست، استفاده می‌شود که نیاز اجتماعی در مصرف زکات در عنوان فی سبیل الله شرط است و نمی‌شود این عنوان را در مواردی که فقر و نیاز اجتماعی صدق نمی‌کند مانند توسعه راه‌ها به انگیزه رفت و آمد راحت‌تر (و نه مثلاً ایمن‌تر برای همه) یا تقدیر از دانشمندان (فقط

۱- هر چند بعضی از فقها این‌گونه استدلال کرده‌اند که امر و نهی به کسی تعلق می‌گیرد که قابلیت امر و نهی داشته باشد و شخصیت حقوقی از قبیل شرکت‌ها، سازمان‌ها و ادارات خطاب پذیر نیستند؛ ولی این نظر در جای خودش نقد شده است. (رک ظهیری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۶).

به انگیزه تقدیر نه ترویج دانش) صرف نمود (رک به حاشیه آیت الله بروجردی و امام خمینی و آیت الله خویی بر مسأله ۲۹ معنای فی سبیل الله در العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴ ص ۱۲۰). می‌توان ادعا کرد که این مطلب در صرف تمام مالیات‌ها و منابع درآمد دولت وجود دارد؛ از این رو مشروعیت بسیاری از هزینه‌هایی که امروزه در جهات غیر نیاز عمومی مثل بعضی از ورزش‌های قهرمانی می‌شود نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۸. طبق نظر بسیاری از علما زکات بدن و مال باید در محل جمع‌آوری مصرف گردد (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۸۸). این مطلب نشان‌گر این است که مردم هر منطقه خود به رفع فقر و احتیاجات محل خود بپردازند. هم‌چنین بر نحوه پرداخت و برداشت نظارت داشته باشند که این خود موجب افزایش انگیزه است. علاوه این مطلب زکات را کاملاً از مخارج اجرایی و عمرانی دولتی جدا می‌کند. هم‌چنین هم سطح شدن زندگی‌ها در یک منطقه به وسیله پرداخت زکات به فقرا یا رفع احتیاجات منطقه، اولویت مصرف در محل زکات را بیان می‌کند. البته قبلاً گفته شد که امام می‌تواند زکات را در مرکز جمع‌آوری کند و دوباره به محل بازگرداند.

۹. افزایش یا کاهش زکات تابع پایه‌های آن است و چندان مستقیماً قابلیت سیاست‌گذاری ندارد. از این رو اگر دولت اسلامی بخواهد برای مخارج اجرایی و عمرانی و تأمین اجتماعی از زکات استفاده کند باید در منابع آن برنامه‌ریزی نماید یا از منابع مالی کمکی استفاده کند.

۱۰. توزیع مساوی زکات بر تمام موارد مصرف آن لازم نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۹) و مصرف در هر یک از آن‌ها با مصلحت سنجی و اولویت عقلایی هم کافی است. هم‌چنین با این که در فتاوی‌ای علما کلامی دال بر اولویت تأمین اجتماعی یا به طور ویژه تأمین زندگی فقرا وجود ندارد ولی با توجه به روایت زیادی که به هنگام بحث از زکات فقط یا در ابتدا از رفع فقر بحث می‌کنند و بر رفع کمبود آن از بیت المال امام (ع) تأکید دارند^۱ و هم‌چنین روحیه انفاق مسلمین و حس برادری و نوع دوستی مسلمانان، خود به خود زکات در این مصرف اولویت پیدا کرده است.

۱۱. زکات برای رفع فقر از فقرای مسلمان و شیعه است (همان، ص ۱۲۴) و برای رفع فقر یا احتیاجات اجتماعی از سایر افراد جامعه باید از جهت تألیف قلوب از زکات استفاده کرد و در صورتی که این مورد زمینه‌ای نداشته باشد باید از سایر منابع از جمله اموال تحت اختیار امام (ع) استفاده کرد. هم‌چنین منظور از فقیر کسی است که نتواند

۱- عین این مطلب در باب کمبود سهم سادات در خمس نیز مطرح است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰).

کار کند یا کار لایق به حال خودش با درآمد مکفی نداشته باشد (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۷).

۱۲. از آن‌جا که روایات، زکات فطره را برای ایمنی مؤدی در یک سال آینده معرفی کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲، ص ۱۸۱) بعید نیست که طبق نظر علمایی که به احتیاط، مصرف آن را برای رفع فقر می‌دانند، به تأمین فقرا اختصاص داده شود.

۱۳. مصرف زکات به صورت مسرفانه و حرام جایز نیست و نمی‌شود به اشخاصی که این گونه رفتار می‌کنند زکات داد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق-الف، ص ۳۲۴).

از مجموع مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که حتی با وجود عنوان فی سبیل الله و مؤلفه قلوبهم در موارد مصرف زکات، جنبه تأمینی و حمایتی در زکات بسیار قوی‌تر است. از این رو حتی در تفسیر آیات قرآن نیز به جنبه حمایتی زکات اشاره‌ای خاص شده است. در آیات ۴۲ تا ۴۴ سوره مدثر از قول بهشتیان از دوزخیان سؤال می‌کند که چه چیز شما را در آتش افکند؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند: ما نماز نگذاریم و مسکین را غذا ندادیم^۱. در روایات و تفاسیر زیاد منظور از این آیه را نپرداختن زکات واجب دانسته‌اند با این که زکات واجب دارای مصارف دیگری نیز هست.

ب) خمس

۱. سهم سادات از خمس برای تأمین سادات فقیر است^۲.

۲. از مجموعه روایات متعددی می‌توان استفاده نمود که خمس برای انفاقات حکومتی و ذخیره احتیاطی امام (ع) برای جبران کمبود منابع اداره حکومت و تأمین اجتماعی است (رک کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۵ و ۵۳۸). دلیل ما بر این نکته تعبیری است که از ائمه معصومین (ع) صادر شده است. مثلاً معصوم (ع) در رفع حاجت مسلمانان در راه‌مانده چنین می‌فرماید: *فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَرُدَّهُمْ إِلَى أَوْطَانِهِمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ* (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۱۳) یا *وَإِنْ نَقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَلَمْ يَكْتَفُوا بِهِ كَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَمُونَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَعْنُوا* (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۱). پس در ابتدا امام (ع) نیازهای اجتماعی را از منابع آن مثل زکات یا خراج

۱- ما سَلَكْتُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُضَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نُطْعَمِ الْمَسْكِينِ (مدثر ۴۲-۴۴) چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم، اطعام مستمند نمی‌کردیم. (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

۲- اگر این سهم کافی نباشد امام از اموال نزد خود کمبود را جبران می‌کند و در صورت فزونی در اختیار امام قرار می‌گیرد. (نجفی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۸۸ و ۱۰۹).

می‌پردازد. سپس اگر این منابع کفایت ننمود امام از اموالی که مختص به او است از جمله خمس جبران می‌نماید.

۳. در روایات متعددی، بر لزوم پرداخت خمس تأکید شده و معافیت از تعلق خمس در اموال پس از اخراج مؤونه رد شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۸۳ و ۵۷۳). روایت معروف علی بن مهزیار از امام جواد (ع) هم بر تخفیف موقت نه معافیت کامل دلالت دارد و همین مقدار باقی مانده را خمس نامیده و از عفو آن سخنی نیاورده است بلکه تصریح دارد که شیعیان باید آن را بپردازند (همان، ص ۵۰۱).

۴. در روایات و کلمات علما تعبیر متعددی در مورد کارکرد خمس وجود دارد. بعضی آن را حق الاماره یا عامل یآوری دین معرفی کرده (همان، ص ۴۹۰) و بعضی دیگر آن را عامل یآوری شیعیان میدانند (همان، ص ۵۰۳). اولین تعبیر به مالیات حکومتی-خدماتی و دومین به مالیات حمایتی و تأمیننی نزدیک می‌باشد.

۵. اصل وضع مالیاتی مانند خمس و زکات با دید انصاف و ارفاق به مؤدیان است چرا که هر دو بعد از اخراج تمام مؤونه و هزینه‌ها از جمله مالیات حکومتی و در زیاده (برای زکات) و سود (برای خمس) واجب می‌باشند از این رو کم‌ترین اثر را بر تغییر در رفاه به صورت منفی و سطح زندگی مؤدیان دارند و امکان و انگیزه کم‌تری برای انتقال دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۸۰).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که خمس یا لاقط سهم امام (ع) از خمس در وضع اولی یک مالیات حمایتی نیست و منصب امامت آن را برای اداره حکومت اسلامی و اجرای اهداف آن دریافت می‌کند. در این راستا اگر منابع کافی برای تأمین اجتماعی وجود نداشت، خمس کمبودها را جبران می‌سازد. این مطلب نیاز به پژوهشی مستقل و جامع دارد.

ج) خراج

مهم‌ترین نکته درباره خراج و البته تمام مالیات‌های شرعی، دریافت کردن مالیات از مقدار زائد بر نیاز مؤدی است. نباید مالیات‌ستانی موجب سقوط و حتی نزول سطح زندگی فعلی در حد خرد و فردی و کاهش مصرف کالاهای عادی اعم از ضروری و غیرضروری در سطح کلان گردد. در این رابطه روایات و فتاوی زیادی به چشم می‌آید. امیرالمؤمنین علی (ع) در سفارشات مکرر به عمال خراج، سیاست خراج‌ستانی را چنین بیان می‌کنند: «مبادا مواد خوراکی مردم را به خاطر خراج بفروشی یا پوشش زمستان و تابستان آن‌ها را، و کسی را به خاطر مطالبه کردن درهمی بزنی یا آبرو ببری؛ چرا که ما

به این کارها مأمور نشده‌ایم و مبدا حیوانی که وسیله کار مردم است بفروشی، فقط و فقط ما امر شده‌ایم تا زائد بر نیاز مردم را دریافت کنیم» (ری‌شهری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۸۵).^۱ این کلمات مفاهیمی بیش‌تر از اصل توانایی پرداخت در خود دارد. از این رو حاکم و نمایندگان او باید به دقت سهم خود را از خراج تخمین بزنند و اگر این سهم تأمین نشد یا به سبب کمبود محصول، اجحاف در حق مؤدی شمرده شود باید در مقدار خراج تجدید نظر نماید (محقق کرکی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۰). این مطلب همان نکته پیش‌گفته است که در اسلام اصل وضع مالیات با دید ارفاق به مردم و انصاف می‌باشد. با این توضیحات هم در دریافت و هم در مصرف خراج یک نوع سیاست حمایتی و بازتوزیعی مشاهده می‌شود.

د) جزیه

خدماتی بودن جزیه را می‌توان به دلایلی چند مستند کرد. اول، به نظر برخی ریشه اصلی جزیه کلمه فارسی کزیت به معنای مالیات اخذ شده برای تقویت ارتش است. پیش از اسلام فرمانروایان ایران از جمله انوشیروان، جزیه را به عنوان مالیاتی برای تجهیز لشکر می‌گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۷).

دوم، یکی از علل دریافت جزیه از اهل کتاب این بود این گروه تحت حمایت دولت اسلامی قرار می‌گرفتند (منتظری، ۱۴۰۹ق-الف، ج ۳، ص ۳۶۶). دولت اسلامی پس از دریافت این مالیات موظف بود که از مال و جان آن‌ها حفاظت کند (مکارم شیرازی و سبحانی، ص ۳۲۹). برخی شواهد تاریخی این نظر را تایید می‌کند. به طور نمونه، مردم حمص پس از تصرف منطقه شان توسط مسلمانان حاضر به پرداخت جزیه شدند. ولی مسلمانان به دلایلی صلاح دیدند که پیمانی که بر حفاظت از مردم حمص بسته بودند را با رضایت طرفین ملغی سازند و در مقابل جزیه نیز دریافت نکنند. ولی مردم حمص این پیشنهاد را نپذیرفته و حاضر شدند که در جنگ با رومیان مسلمانان را همراهی کنند (همان).

سوم، در قراردادهای جزیه قید می‌شد که مسلمانان در قبال دریافت این مالیات موظفند امنیت پرداخت‌کنندگان را حفظ کنند. به طور نمونه، در عهدنامه خالد بن ولید با مسیحیان اهل فرات آمده است: هذا کتاب من خالد بن ولید لصلوبا ابن نسطونا و قومه... انی عاهدتکم علی الجزیه و المنعه، فلک الذمه والمنفعه... : این نامه‌ای است از

۱- این کلام اشاره دارد به این آیه شریفه: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (الاعراف ۱۹۹) با آن‌ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان سستیزه مکن) (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

خالد بن ولید به صلوبا (بزرگ مسیحیان) و جمعیتش، من با شما پیمان می‌بندم بر جزیه و دفاع، و در برابر آن شما در حمایت ما قرار دارید و مادام که از شما حمایت کنیم، حق گرفت جزیه داریم، والا حقی نخواهیم داشت. نقل شده که هنگامی که دولت اسلامی در حمایت از اهل ذمه کوتاهی می‌کرد، جزیه به آن‌ها باز پس داده می‌شد (همان).
 چهارم، بنا بر احادیث (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۸)، در جواز مصرف جزیه بر مجاهدان (تأمین مخارج جنگی دولت) تردیدی نیست؛ لذا بعضی فقها آن را در حکم غنیمت می‌دانند. برخی بر اختصاص مصرف جزیه پس از دوران رسول خدا به مجاهدان ادعای اجماع کرده‌اند. بعضی دیگر، مورد مصرف جزیه را مصالح مسلمانان طبق صلاحدید امام (ع) دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۵۰). البته نقل شده که پیامبر درآمد جزیه را تنها به مهاجرین می‌دادند (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۳).^۱ در صورت اختصاص جزیه به مهاجرین فقیر، می‌باید آن را در زمره مالیات‌های حمایتی قرار داد. با این وجود، تعلیل شیخ طوسی از سنت نبوی نافی این تحلیل است. ایشان می‌فرمایند جزیه در زمان رسول خدا (ص) تنها به مهاجرین داده می‌شد و امروزه این وجه به کسانی اختصاص می‌یابد که در نصرت اسلام قائم مقام آن‌ها شده‌اند (همان). گذشته از آن که توجه به فلسفه اخذ جزیه، خدماتی بودن آن را تقویت می‌کند. زیرا حتی اگر جزیه در امور حمایتی هم مصرف شود، حکومت اسلامی می‌باید مبلغی معادل یا بیش‌تر از آن را برای حفظ امنیت اهل ذمه هزینه نماید.

هـ) فیء (مالیات از زمین‌های صلح)

در قسمت قبل گفته شد که مالیات از اراضی صلح ملحق به جزیه است و مانند همان دیده می‌شود. هرچند فلسفه عنوان فیء در آیات و روایات توزیع عادلانه ثروت و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است اما به دلیلی که در قسمت قبل گفته شد نمی‌توان مالیات اراضی صلح را یک مالیات حمایتی دانست؛ زیرا از دید مؤدیان آن که اهل کتاب هستند یک مالیات خدماتی است و بالاخره حکومت اسلامی باید مبلغی معادل یا کم‌تر یا بیش‌تر از آن را برای تأمین نیازهای عمومی اهل کتاب هزینه نماید.

۱- وكان المستحق للجزية في عهد رسول الله، صلى الله عليه وآله، المهاجرين دون غيرهم. وهي اليوم لمن قام مقامهم في نصره الإسلام والذب من سائر المسلمين (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۳).

۶- رابطه وجوه در آمد شرعی و مالیات

یکی از مباحث مهم در مورد مالیات‌های شرعی این است که آیا قراردادان عنوان مالیات بر این وجوه صحیح است یا نیست. قبلاً گفته شد که خراج و جزیه به مفهوم و ویژگی‌های مالیات متعارف بسیار نزدیک هستند. پس نسبت به این پرسش که آیا در اسلام یک مالیات واقعی مطابق با تعاریف امروزه وجود دارد، جواب مثبت می‌باشد. اما در اینجا با دو دیدگاه خمس و زکات از دایره مالیات خارج شده است. برخی از محققان اقتصاد اسلامی معتقد هستند که امروزه پرداخت‌های شرعی در قالب خمس و زکات را نباید به عنوان مالیات متعارف به حساب آورد (معرفت، ۱۳۷۶، ص ۹۷). هر چند زکات در عصر تشریح دارای استفاده‌های حکومتی بوده است اما با توجه به کارکرد اصلی آن در زمینه تأمین نیازهای مسلمین و کمبود آن در حال حاضر برای مخارج دولت اسلامی و تحول گسترده در وظایف و مخارج دولت در عصر کنونی اصلاً جایی برای مساوی قراردادان زکات یا خمس با مالیات وجود ندارد. با این دید دولت حتی برای انجام وظیفه در زمینه تأمین اجتماعی نیز باید با ابزارهای دیگری از جمله مالیات‌ها یا درآمد حاصل از واگذاری انفال اقدام کند. در این دیدگاه از ترکیب فلسفه زکات و خمس با موارد مصرف و همچنین نیاز دولت به منابع مالی گسترده، نوعی اجتهاد در عرصه فقه الاقتصاد با دیدگاه اصولی انسداد باب علم ارائه شده است و مصداق بودن وجوهات شرعی برای مالیات را در این زمان منتفی دانسته است.

نظر دوم برای رد مالیات بودن زکات و خمس به تفاوت ماهوی این دو پرداخته است. مواردی از قبیل پرداخت داوطلبانه وجوهات شرعی و این که مسلمانان آن‌ها را به قصد مالیات نمی‌پرداخته‌اند، قریبی بودن آن‌ها، عدم تغییرپذیری نرخ در وجوهات و پایه در زکات (گستره محدود در زکات واجب)، اولویت مصرف در تأمین اجتماعی و رفع فقر نه در تأمین مالی دولت، وجود شواهدی بر جدا بودن خمس و زکات از مالیات در زمان صدر اسلام مانند وضع مالیات بر اسب و دریافت همزمان زکات، وضع خمس بر خصوص اغنیا بر خلاف مالیات و... بر این تفاوت دلالت دارد. شاید موجه‌ترین دلیل همان عدم اختیار دولت در تغییر نرخ و پایه وجوهات شرعی است.

با توجه به مطالبی که در قسمت قبل گفته شد این نکات فهمیده می‌شود:

۱. زکات در ابتدا فقط برای تأمین هزینه‌های دولت و اهداف آن وضع نشده است؛ بلکه دارای کارکردهای دیگری نیز هست.

۲. مؤدی می‌تواند زکات و سهم سادات از خمس و حتی کل خمس -در صورتی که به حاکم اسلامی دسترسی نداشته باشد- را در راستای موارد و اهداف تعیین شده از طرف شرع هزینه نماید. البته اگر حاکم اسلامی خواست این مبالغ را جمع‌آوری کرده و خود هزینه نماید^۱، مکلفین باید به او پرداخت کنند و اجازه تصرف در آن را ندارند اما در وضع اولی چنین موضوعی دیده نشده است.

۳. مهم‌ترین ویژگی مالیات، داشتن قابلیت سیاست‌گذاری از طرف دولت است تا از طریق آن به مثابه یک ابزار در کل اقتصاد اثرگذاری شود؛ اما زکات و خمس تابع واقعیات اقتصادی هستند و مستقیماً برنامه‌پذیر نیستند. اگر دولت بخواهد درآمدهای خود را از این دو منبع بالا ببرد باید زمینه افزایش تولید و سود و ارزش افزوده را فراهم سازد برخلاف مالیات که حتی بدون در نظر گرفتن تولید ملی قابلیت افزایش و کاهش و برنامه‌ریزی را دارد (البته با در نظر داشتن لوازم آن).

با توجه به نکات بالا و برداشت عرف مسلمانان از پرداخت خمس و زکات، نمی‌توان این دو را مالیات اصطلاحی دانست ولی از آن‌جا که دولت اسلامی می‌تواند آن‌ها را جمع‌آوری کند و در مسیر اهداف خود مصرف نماید، قراردادن نام مالیات بر آن‌ها با تسامحاتی و به شرط آگاه‌سازی اذهان عرف دور از نظر نیست.

در هر صورت با اطلاق مالیات بر وجوهی که حکومت اسلامی بر اساس دستورات شرع مقدس، تمایز معنادار و برنامه‌ریزی شده بین منابع مالیاتی کاملاً به چشم می‌خورد.

۷- تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در اسلام

مالیات‌های اسلامی را با توجه به مصارف آن می‌توان به دو دسته مالیات‌های حمایتی (بازتوزیعی) و مالیات‌های خدماتی تقسیم کرد. به بیان ساده، مالیات حمایتی مالیاتی است که برای اهداف بازتوزیعی و مالیات خدماتی مالیاتی است که برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی اخذ می‌شوند. بیش‌تر مالیات‌های شرعی وضع شده در اسلام

۱- در این جا لازم است گفته شود که در صورت نپرداختن خمس و زکات از طرف مؤدی یا امر حاکم به جمع‌آوری و استنکاف مؤدی، حاکم اسلامی می‌تواند ابتدا از جهت امر به معروف و نهی از منکر شخص را متنبه سازد و در صورتی که این کار فایده نداشت او را بر انجام هر یک از دو واجب وادار نماید. پس چنین نیست که ضمانت اجرایی زکات و خمس یک تعهد شرعی و ضرورت اخلاقی باشد بلکه به علاوه حکومت اسلامی پشتوانه اجرای این فرائض است و اگر حتی دولت اسلامی به هر دلیل نخواهد از آن‌ها استفاده کند باید نسبت به عمل کردن مسلمانان نسبت به این واجبات نظارت داشته و آن‌ها را به پرداخت تشویق نموده و در صورت تخلف بازخواست کند. همین مسأله وارد کردن زکات و خمس را در زمره مالیات‌ها آسان می‌نماید.

را می‌توان از مالیات‌های حمایتی قلمداد کرد که با هدف بازتوزیع منابع اخذ می‌شوند. مالیات‌های خدماتی به اقتضای گسترش دولت‌های اسلامی و افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی مطرح شد. اسلام با تفکیک مصارف مالیات‌ها در کنار مسایل دیگر از قبیل جنبه‌های معنوی و قربی، شفافیت در درآمد و مصرف در قالب یک روند ساده و... انگیزه قدرت‌مندی برای پرداخت این گونه مالیات‌ها در مسلمانان ایجاد کرده است. هرچند در اقتصاد متعارف نیز می‌توان بین دو نوع مصارف خدماتی و حمایتی دولت تفکیک کرد، ولی عملاً بین دو نوع مالیات حمایتی و خدماتی تفکیک نشده است.

جدول ۱- مالیات‌های حمایتی و خدماتی

مصارف	موارد	
تأمین اجتماعی: تأمین مخارج فقرا، مساکین، در راه ماندگان، آزاد کردن بردگان، پرداخت بدهی‌های بده‌کاران* هزینه‌های عمومی: ایجاد الفت بین مسلمانان و غیرمسلمانان، هزینه در راه خدا* هزینه جاری: حق العمل کارگزاران زکات	زکات اموال	مالیات حمایتی
تأمین اجتماعی: تأمین مخارج فقرا، مساکین...	زکات بدن (فطره)	
تأمین اجتماعی خاص: تأمین مخارج فقرا، یتیمان و در راه ماندگان سادات	سهم سادات از خمس	
تأمین اجتماعی: تأمین مخارج فقرا، مساکین، هزینه‌های عمومی تقسیم مساوی بین مسلمانان (توانمند سازی عمومی، عدم استفاده در هزینه دولت در حالت عادی)	زکات مستحب خراج (مالیات) زمین‌های مفتوح العنوة)	مالیات خدماتی
در اختیار امام و دارای جنبه اداره مملکت و جبران‌کننده کمبودهای سایر منابع	سهم امام از خمس	
مصرف مقدار معادل یا بخشی از آن در امور خدماتی و عمرانی برای اهل کتاب، مازاد در اختیار امام	جزیه	
مصرف مقدار معادل یا بخشی از آن در امور خدماتی و عمرانی اهل کتاب، مازاد در اختیار امام	فیء (اراضی غنایم بدون جنگ)	
تأمین بودجه جاری؛ تأمین هزینه‌های عمومی: امنیت؛ تأمین مالیات بر اسب و بودجه عمرانی	مالیات حکومتی (مثل مصادیق امروزی آن)	

مالیات‌های حمایتی و خدماتی از جهات زیر متفاوت هستند:

۱. اکثر علما قائل هستند که اولویت مصرف تمام مالیات‌های حمایتی در محل دریافت است و اگر هر شخص اعم از مؤدی یا عامل حکومت بدون دلیل موجه آن را به

جای دیگر ببرد و موجب تلف شدن یا کاهش کارایی حمایتی گردد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۴۱)^۱ یا از زمان تعلق آن مالیات‌ها، در پرداخت عمداً تأخیر کند ضامن بوده و مؤاخذه می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۵۰). این نکته اهمیت کارکرد منطقه‌ای مالیات‌های حمایتی را می‌رساند.

۲. در حالی که مصرف و تا حدودی نحوه دریافت مالیات‌های خدماتی دایر مدار مصلحت می‌باشد، مالیات‌های حمایتی چنین نیستند؛ به این بیان که مقدار ثابت وارد شده در شرع حتماً باید دریافت گردد و در صورت کمبود از سایر منابع جبران شود و در صورت زیاد بودن در سایر امور اجتماعی عام المنفعه و فی سبیل الله مصرف گردد. از این رو عدم وجود فقیر در یک منطقه باعث نمی‌شود که پرداخت زکات اموال از افراد متمول ساقط شود. ولی مالیات‌های خدماتی با رعایت شرایطی وابسته به مطالبه حاکم اسلامی است (منتظری، ۱۴۰۹ق-الف، ج ۴، ص ۲۹۶) و میزان مالیات خدماتی وابسته به مقدار خدمات ارائه شده است.

۳. مالیات‌های حمایتی در اسلام به دلیل وجود سهم فقرا در اموال اغنیا، به عین مال تعلق می‌گیرند. به عبارت دیگر مؤدی اصلاً مالک آن مقدار از مال نیست. این به خلاف اکثر مالیات‌های خدماتی است که نهایتاً به صورت یک تعهد و مطالبه در ذمه مؤدی قرار دارد و حاکمیت باید با آن مانند مطالبه یک قرض برخورد کند.

۴. در مالیات‌های شرعی حمایتی اسلامی از همان ابتدا بنا به حکم اولی منابع و مصارف مالیات مشخص و محدود شده است ولی در مالیات‌های خدماتی بنابر مصلحت‌سنجی و در دایره گسترده، امکان وضع و دریافت وجود دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۳)؛ هرچند در اسلام بر این نکته تأکید شده است که جاکم یا والی باید در وضع مالیات رعایت حال مردم را نموده و به حداقل‌ها قناعت کند و مصرف خود را با مدیریت صحیح و دوری از اسراف، بهینه نماید. مثلاً در نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر، توصیه شده است که مالیات زیاد از مردم مصر گرفته نشود؛ زیرا چنین مالیاتی مانع توسعه و عمران است (ری‌شهری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۸۸). ابن خلدون نیز معتقد است که مالیات‌های سنگین باعث مزدوری مردم و مصداق ظلم و ستم دولت بر مردم است. (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ص ۵۵۷).

۱- البته بعضی از متأخرین و معاصرین عدم انتقال را افضل می‌دانند نه واجب. رک (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۴۳).

۸- لوازم تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی

پذیرش تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی می‌تواند در چند مورد منابع و مصارف مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی و فرهنگ سازی مالیاتی اثر بخش باشد (جدول ۲).

جدول ۲- لوازم تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی

مالیات حمایتی	مالیات خدماتی	نوع مالیات مولفه‌ها
مالیات حمایتی/تأمین اجتماعی	مالیات خدماتی/تأمین بودجه جاری و عمرانی دولت	منابع و مصارف مالیاتی
عدم معافیت مالیاتی	امکان معافیت مالیاتی	معافیت مالیاتی
تمرکز بر حقوق فقرا؛ اطلاع رسانی از تأمین اجتماعی عمومی	تمرکز بر هزینه بر بودن خدمت رسانی؛ اطلاع رسانی از خدمات ارائه شده به مالیات دهندگان	فرهنگ سازی مالیاتی

۸-۱- تفکیک منابع و مصارف مالیاتی

یکی از لوازم تفکیک بین مالیات‌های حمایتی و خدماتی، تفکیک منابع جمع‌آوری شده و هزینه‌های هر یک در محل خود می‌باشد. این تفکیک مستلزم جدا کردن بین منابع و مصارف این دو دسته مالیات است. پرداخت‌های خدماتی و عمرانی حکومتی از محل مالیات‌های خدماتی-حکومتی (وضع شده توسط حکومت بنا به مصلحت و حکم حکومتی) و پرداخت‌های حمایتی از محل مالیات‌های شرعی (مالیات‌های وضع شده در شرع بنا به حکم اولی مانند سهم سادات از خمس، زکات و...) صورت می‌گیرد. این معنا در قالب معرفی اصل اختصاص مالیات‌های حمایتی به تأمین اجتماعی و اصل اختصاص مالیات‌های خدماتی به بودجه جاری و عمرانی قابل طرح است. البته باید توجه داشت که تفکیک منابع و مصارف مالیاتی تابع قانون است. آنچه در اینجا بحث شد، بحثی نظری است که می‌تواند منشاء اصلاحاتی در قوانین و رویه‌های اجرایی شود.

۸-۲- عدم معافیت مالیاتی

برخی از محققان با تمسک به مسأله عدالت مالیاتی این پیشنهاد را مطرح کرده‌اند که پرداخت وجوهات شرعی به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی محاسبه شود؛ زیرا

دریافت مالیات‌های خدماتی از متدینین بدین معنا است که آن‌ها در مقایسه با افراد غیرمتدین مالیات بیش‌تری می‌دهند که این به معنای عدم عدالت مالیاتی است و اگر برای اصلاح آن تلاشی نشود نوعی جریمه متشرعین تلقی می‌شود (رضایی، ۱۳۸۲، ص ۸۲). این استدلال را نمی‌توان قابل قبول دانست. پذیرش تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی بر اساس فلسفه تمایز آن دو مستلزم آن است که پرداخت یک مالیات نمی‌تواند باعث سقوط مالیات دیگر شود. مالیات‌های حمایتی به عنوان حق افراد ضعیف جامعه در اموال ثروتمندان قرار دارد و مالیات‌های خدماتی در مقابل خدمات ارائه شده به شهروندان یک کشور یا منطقه اخذ می‌شوند. از این رو نمی‌توان توجیهی برای این مسأله پیدا کرد که به کسانی که وجوه شرعی خود را پرداخت می‌کنند، معافیت از مالیات‌های خدماتی تعلق بگیرد؛ زیرا مالیات‌های حمایتی با توجه به توان مالی افراد برای هدف فقرزدایی و گسترش عدالت به عهده مؤدیان قرار دارد ولی مالیات‌های خدماتی - حکومتی برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی دولت اسلامی وضع شده‌اند. البته دولت‌ها می‌توانند بر اساس مصالح اقدام به ارائه معافیت مالیاتی در مالیات‌های خدماتی کنند. این مورد بیش‌تر زمانی قابل توجیه است که بخش خصوصی با ورود خود بار دولت را در ارائه خدمات دولتی کم کند.

۳-۸ - تنوع در فرهنگ سازی مالیاتی

در میان وجوه ناظر به سیاست‌گذاری مالیاتی، فرهنگ‌سازی مالیاتی از اهمیت زیادی برخوردار است. تفکیک پیشنهادی در این مقاله باعث دو نوع برنامه جهت فرهنگ‌سازی مالیات‌های حکومتی - خدماتی و حمایتی می‌شود. در فرهنگ‌سازی مالیات‌های حمایتی باید تمرکز بر مسئولیت افراد و هم‌چنین اطلاع رسانی در مورد تخصیص منابع جمع‌آوری شده در تأمین اجتماعی (فقر زدایی و...) باشد. در مقابل، در فرهنگ‌سازی مالیات‌های خدماتی - حکومتی بهترین سیاست تمرکز بر اطلاع رسانی در زمینه خدمات ارائه شده به مردم است.

با توجه به این که هم‌اکنون مالیات‌های حمایتی عمدتاً توسط مراجع و مالیات‌های خدماتی توسط دولت اخذ و هزینه می‌شوند؛ سیاست‌گذاری فرهنگی این دو نهاد تابع دو جهت‌گیری مطرح شده است. بر این اساس، دولت می‌تواند در فرایند فرهنگ‌سازی مالیات‌های خدماتی توجه خاصی به اطلاع رسانی در زمینه فهرست خدمات ارائه شده، داشته باشد. در مقابل، فرهنگ‌سازی مالیات‌های حمایتی توسط مراجع می‌تواند با

تمرکز به حقوق فقرا در اموال اغنیا و ارائه گزارش‌های مستمر به مردم در مورد هزینه کرد وجوه جمع‌آوری شده در تأمین اجتماعی همراه باشد.

۹- نتیجه‌گیری

نگاهی به منابع و مصارف مالیات‌های اولیه شرعی نشان می‌دهد که این مالیات‌ها عمدتاً کارکردی حمایتی دارند و با هدف باز توزیع منابع وضع شده‌اند. همزمان با گسترش جوامع و دولت‌ها از جمله دولت اسلامی، مالیات‌های خدماتی نیز در قلمرو حکومت‌های اسلامی معرفی شدند.

در این مقاله با تفکیک بین مالیات‌های حمایتی و خدماتی این ادعا را مطرح کردیم که این تفکیک با فلسفه وضع مالیات‌ها در اسلام هماهنگ است. فلسفه وضع مالیات‌های حمایتی باز توزیع ثروت برای تأمین عدالت است. از این رو مالیات‌های حمایتی به عنوان حق فقرا در اموال توانمندان معرفی شده‌اند. این بدان معنا است که این بخش از مالیات اساساً به خود افراد تعلق ندارد و حق دیگران بدان تعلق گرفته است.

در مقابل، مالیات‌های خدماتی بر پایه اصل مصلحت و برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی دولت اسلامی وضع می‌شوند. وضع این مالیات دایر مدار وجود مصلحت است و برای ارائه خدمات مزبور اخذ و هزینه می‌شوند.

تفکیک مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالی اسلام مستلزم سه اصل سیاستی تفکیک منابع مالیاتی، عدم معافیت مالیاتی و تنوع در فرهنگ‌سازی مالیاتی است. با توجه به کارکرد متفاوت مالیات‌های حمایتی و خدماتی، تفکیک در منابع و هزینه کرد آن می‌تواند به شفافیت و کارایی بهتر در نظام مالیاتی کمک نماید. اصل عدم معافیت مالیاتی ناظر به این مسأله است که پرداخت مالیات‌های حمایتی شرعی نمی‌تواند توجیهی برای معافیت از مالیات‌های خدماتی-حکومتی شود. و بالاخره، لازمه فرهنگ‌سازی این دو نوع مالیات آن است که در مورد مالیات‌های حمایتی بر وجود حق فقرا در اموال اغنیا و در مورد مالیات‌های خدماتی بر خدمات ارائه شده، تأکید شود.

فهرست منابع

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۹). مقدمه ابن خلدون. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- ۲- استیگلیتز، ژوزف ای (۱۳۹۲). *اقتصاد بخش عمومی*، ترجمه مجید مهدی عسکری، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳- انصاری (شیخ)، مرتضی (۱۴۱۵ ق-الف). *کتاب الزکاه*. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم.
- ۴- انصاری (شیخ)، مرتضی (۱۴۱۵ ق-ب). *کتاب الخمس*. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم.
- ۵- پیترز، دنی (۱۳۸۸). تأمین اجتماعی مقدمه‌ای بر اصول اساسی. تهران: شهردانش.
- ۶- جزایری، شمس‌الدین (۱۳۴۲). *قوانین مالیه و محاسبات عمومی*. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). *مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: سمت.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). سخنرانی مکتوب آیت الله در همایش «مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه و اقتصاد»، در کتاب *نظام مالی اسلام*، به کوشش احمدعلی یوسفی، بی‌جا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹- حبیبیان، مجید و احمد زمانی (۱۳۹۱). «بازخوانی مالیات بر ارزش افزوده از منظر شریعت اسلامی»، *پژوهشنامه مالیات*، ش ۱۵.
- ۱۰- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۱۱- حریری، محمد یوسف (۱۳۸۸). *فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۲- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۲). نقد و بررسی الگوهای تأمین اجتماعی و ارائه الگوی سازگار با نگرش اسلامی، پایان‌نامه دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۳- حقانی، حسین (۱۳۶۹ الف). دیدگاه‌های گوناگون در معانی خراج، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۳.
- ۱۴- حقانی، حسین (۱۳۶۹ ب). *فلسفه جزیه و خراج و اهمیت آن‌ها*، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱.
- ۱۵- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). *منتهی‌الطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۱۶- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۱۷- حلی (محقق)، جعفر بن محمد (۱۴۰۷ ق). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سید الشهداء.

- ۱۸- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۴۸). *تحریر الوسیله*، قم: اسماعیلیان.
- ۱۹- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعه الامام خویی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق، دار العلم.
- ۲۱- رضایی، مجید (۱۳۸۲). *مالیات‌های حکومتی مشروعیت یا عدم مشروعیت*. نامه مفید، ش ۳۵.
- ۲۲- ری شهری، محمد (۱۴۲۰ق). *موسوعه الامام علی بن ابیطالب فی الكتاب و السنه و التاريخ*. بیروت: دارالحدیث.
- ۲۳- ریکاردو، دیوید (۱۳۷۴). *اصول اقتصادسیاسی و مالیات‌ستانی*، ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشر نی.
- ۲۴- زندی حقیقی، منوچهر (۱۳۶۹). *اقتصاد بخش عمومی مالیة عمومی و اقتصاد مالیة عمومی*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۵- سن، آرتور کرستین (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسیمی. تهران: دنیای کتاب.
- ۲۶- صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۷- طالب، مهدی (۱۳۶۸). *تأمین اجتماعی*. مشهد: بنیاد فرهنگی رضوی.
- ۲۸- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). *العروه الوثقی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۹- طباطبایی (علامه)، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۳۰- طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المكتبه المرتضویه.
- ۳۱- طوسی (شیخ)، محمدبن حسن (۱۳۹۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۳۲- ظهیری، عباس (۱۳۷۹). *مرجع دریافت خمس و حکم پرداخت آن به عنوان مالیات در منظر فقه جواهری*، در: *نظام مالی اسلام*، به کوشش احمدعلی یوسفی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- ۳۳- ظهیری، عباس (۱۳۸۳). معتمد تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳۴- غفاری، هادی (۱۳۸۸). نظام اقتصادی صدر اسلام. چ ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۳۵- کرکی (محقق)، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۳ق.). رساله قاطعه اللجاج فی حل مسأله الخراج. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.). الکافی. چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۳۷- کیا، الحسینی، سید ضیاء الدین (۱۳۹۰). «ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی». پژوهشنامه مالیات، ش ۵۹.
- ۳۸- ماسگریو، ریچارد و یگی ماسگریو (۱۳۷۲). مالیه عمومی در تئوری و عمل. ترجمه مسعود محمدی و ید الله ابراهیمی فر. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۳۹- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲). زمین در فقه اسلامی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۰- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶). مجله فقه اهل بیت، ش ۱۰.
- ۴۱- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق.). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی، جعفر (۱۳۸۱). پاسخ به پرسشهای مذهبی. قم: نسل جوان.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴- منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۹). «شیوه‌های تقسیم بیت المال در صدر اسلام»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۲.
- ۴۵- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق-الف). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه. چ ۴، قم: تفکر.
- ۴۶- منتظری، حسینعلی؛ (۱۴۰۹ق-ب). کتاب الزکاه. چ ۲، قم: مرکز جهانی مطالعات اسلامی.
- ۴۷- موسوی، سیدمحمد مهدی (۱۴۲۷ق.). فقه الشیعہ. قم: دارالبشیر.
- ۴۸- مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۵ق.). الولایه الالهیه الاسلامیه او الحکومه الاسلامیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۹- نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ۵۰- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۰). *فلسفه سیاست*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۵۱- یاسین، نجمان (۱۴۱۱ق). *تطور الاوضاع الاقتصاديه في عصر الرساله و الراشدين*. عراق: دارالشنون الثقافيه العامه.

مزیت‌سنجی منابع مالیاتی و حق بیمه‌ای در تأمین مالی تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام

سید رضا حسینی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

امروزه برنامه‌های تأمین اجتماعی علیرغم ضرورت انکارناپذیر و تمامی دست‌آوردهای مثبتی که داشته‌اند، با چالش‌ها و بحران‌های مهمی در ناحیه تأمین منابع مالی مواجه‌اند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، چالش مربوط به انتخاب یکی از منابع مالیاتی و یا حق بیمه‌ای به عنوان منبع مالی تأمین اجتماعی است. در این زمینه در حالی که نظام‌های پوریجی (مانند انگلیس و دانمارک) منابع مالیاتی را ترجیح می‌دهند، در نظام‌های بیسمارکی (مانند آلمان و فرانسه) استفاده از منابع حق بیمه‌ای شیوع بیشتری دارد. در نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی ایران نیز در حال حاضر (صرف نظر از اختصاص یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده به مخارج بهداشت و درمان در بودجه سال ۹۳ و کسر بودجه نهادهای تأمین اجتماعی که از محل بودجه عمومی دولت جبران می‌شود) ارتباط تعریف‌شده‌ای میان درآمدهای مالیاتی دولت و انجام وظیفه تأمین اجتماعی وجود ندارد و مخارج تأمین اجتماعی عمدتاً متکی بر درآمدهای بیمه‌ای است.

بی‌گمان انتخاب یکی از این دو منبع، علاوه بر این‌که به زمینه‌های تاریخی پیدایش و رشد الگوهای تأمین اجتماعی در کشورها وابسته است، از برخی معیارهای اساسی مانند؛ کارآمدی، عادلانه‌تر بودن، شفافیت، سهولت و... نیز پیروی می‌کند. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی به دنبال اثبات این فرضیه است که؛ بر اساس اصول و معیارهای برگرفته از منابع اسلامی و تحلیل ویژگی‌های قابل استنباط از منابع و مصارف مالیات‌های اسلامی و همچنین تحلیل مقایسه‌ای ویژگی‌ها و پیامدهای منابع مالیاتی و حق بیمه‌ای متداول، در تأمین مالی تأمین اجتماعی استفاده از منابع مالیاتی بر منابع حق بیمه‌ای ارجحیت دارد. تحلیل پیامدهای مثبت گزینش منابع مالیاتی به جای منابع بیمه‌ای از دیگر اهداف این مقاله است.

کلید واژه‌ها: تأمین مالی، تأمین اجتماعی، مالیات، حق بیمه اجتماعی